

## پایان به روش کنونی گزارشگری دارایی‌های نامشهود: نیاز به آغاز رویکردی جدید

### اکبر دلیریان

دانشجوی دوره دکتری حسابداری، گروه حسابداری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران  
akbardalirian@yahoo.com

### مهدی مشکی

دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور واحد رشت، رشت، ایران (نویسنده مسئول)  
Mhd.meshki@yahoo.com

### فاضل محمدی نوده

استادیار گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، لاهیجان، ایران  
mnfazel@gmail.com

### سینا خردیار

استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت، ایران  
Sina.kheradyar@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۲۲

### چکیده

در سال‌های اخیر، سهم دارایی‌های نامشهود در ارزش بازار شرکت‌ها به شدت رو به افزایش گذاشته و توجه به پیامدهای آن از اهمیت زیادی برخوردار شده است. موج حرکت شرکت‌ها به سوی سرمایه‌گذاری در دارایی‌های نامشهود و تشکیل، تشویق و تمایل به ایجاد شرکت‌های دانش بنیان و تکنولوژی محور نشان از تغییر مدل‌های تجاری، استراتژی‌ها و حرکت به سوی اقتصاد توسعه یافته است. با این حال، به نظر می‌رسد استانداردهای حسابداری مربوط به دارایی‌های نامشهود از این حرکت جا مانده و مورد غفلت واقع شده‌اند؛ و در برابر تغییر به سوی همراستایی با تغییرات اقتصادی سرسختانه مقاومت می‌کند. در این پژوهش به ذکر دلایل این مقاومت و آسیب‌های ناشی از این مقاومت که دامن گیر سرمایه‌گذاران و اقتصاد می‌شود پرداخته شده و حسابداری و گزارشگری مالی مربوط دارایی‌های نامشهود فعلی به عنوان مقصر اصلی آن معرفی می‌شود. در نهایت با بررسی و آسیب شناسی مذکور در این راستا، پیشنهادهایی در راستای بهبود وضعیت فعلی گزارشگری مالی دارایی‌های نامشهود ارائه شده است.

**واژه‌های کلیدی:** گزارشگری مالی، استانداردهای حسابداری، دارایی‌های نامشهود.

## ۱- مقدمه

در عصر صنعتی، دارایی‌های فیزیکی چون زمین، سرمایه و نیروی کار، عوامل کلیدی جهت قضاوت درباره ارزش شرکت به حساب می‌آمدند. این در حالی است که در عصر مدرن امروزی با توسعه فناوری اطلاعات، تجارت الکترونیکی و ظهور و فراگیر شدن استفاده از اینترنت، عصر اقتصاد دانش محور شکل گرفت. با شکل‌گیری اقتصاد دانش محور، عوامل حائز اهمیت برای موفقیت شرکت‌ها به توانایی و اثربخشی آن‌ها در ایجاد، توسعه و به کارگیری دانش تغییر یافت (چان و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱). روش ایجاد ارزش شرکت از عوامل سنتی مربوط به تولیدات فیزیکی به دانش نامشهود منتقل شد. در چنین شرایطی ممکن است بخش بزرگی از ارزش شرکت، منعکس کننده دارایی‌های نامشهود باشد. از این رو جهت ارزیابی ارزش شرکت، نه تنها باید دارایی‌های مشهود را در نظر گرفت، بلکه توانایی و قدرت ایجاد ارزش توسط دارایی‌های نامشهود را نیز باید مدنظر قرار داد (اکستین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). افزایش شکاف بین ارزش واقعی و ارزش دفتری شرکت‌ها، توجه محققان را برای توضیح ارزش نامرئی که در این بین از صورت‌های مالی حذف شده، جلب کرده است. دارایی‌های نامشهود یک دارایی قابل تشخیص غیر پولی و فاقد ماهیت عینی است. بر اساس استاندارد شماره ۱۷ ایران یک دارایی هنگامی معیار قابل تشخیص را در تعریف دارایی نامشهود احراز می‌کند که یکی از این شرایط را داشته باشد: الف. جداسدنی باشد، یعنی بتوان آن را به منظور فروش، انتقال، اعطای حق امتیاز، اجاره یا مبادله (به صورت جداگانه یا همراه با یک قرارداد، دارایی یا بدهی مرتبط) از واحد تجاری جدا کرد. ب. از حقوق قراردادی یا سایر حقوق قانونی ناشی شود، صرف نظر از اینکه آیا چنین حقوقی قابل انتقال یا جداسدنی از واحد تجاری یا سایر حقوق و تعهدات باشد یا خیر.

یکی از اصول اولیه حسابداری، اصل افشای کلیه واقعیت‌های با اهمیت و مربوط درباره رویدادها و فعالیت‌های مالی واحدهای تجاری است. گزارشگری مالی بر ارائه اطلاعات کافی و مهم در صورت‌های مالی تاکید دارد و خواستار افشای اطلاعات مربوط در صورت‌های مالی به گونه‌ای است که از یک طرف، امکان اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه را برای استفاده-کنندگان صورت‌های مالی فراهم کند و از طرف دیگر، باعث گمراهی آنان نشود (مهرآذین و عباس نژاد، ۱۳۹۲). استاندارد بین‌المللی حسابداری، واحد تجاری را ملزم می‌کند تا یک دارایی نامشهود را تنها در صورت وجود معیارهای خاص شناسایی کند. این استاندارد همچنین تعیین می‌کند که چگونه باید مبلغ دفتری دارایی‌های نامشهود اندازه‌گیری شود و

الزامات خاص افشا درباره آنها ارائه شود. در مجموع بر اساس استانداردهای ایران و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی<sup>۳</sup> (IFRS) دارایی‌های نامشهود تنها در یک محدوده خاص مورد شناخت قرار می‌گیرد که به نوبه خود یکی از ضعف‌های این استاندارد می‌باشد. یک راه حل برای این مشکل می‌تواند افشای خارج از چارچوب‌های فعلی باشد. افشای خارج از چارچوب‌های فعلی گزارشگری ممکن است انواع دیگری از گزارشگری همچون، گزارشگری چندستونی (لوئیس و پندریل<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴)، گزارشگری مرکب (هیات گزارشگری بین‌المللی ترکیبی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۷)، گزارشگری تحت وب و غیره را موجب شود. در ادبیات موجود علاوه بر این روش‌ها، رویکردهای دیگری نیز برای افشای اطلاعات پیشنهاد شده است که بطور ویژه جهت گزارشگری دارایی‌های نامشهود طراحی شده‌اند و به منظور غلبه بر ضعف‌ها و نقص‌های رویکردهای فعلی انتشار صورت-های مالی، توسعه یافته‌اند (اسویبی<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹؛ کافمن و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۰۴؛ اندریسن<sup>۸</sup>، ۲۰۰۴؛ دیومی و گارائینا<sup>۹</sup>، ۲۰۱۳). رویکردهای مذکور در انواع مختلفی وجود دارند چرا که فاقد یک چارچوب مفهومی عام می‌باشند. هر یک از آنها در ارزیابی، اندازه‌گیری، مدیریت و گزارشگری دارایی‌های نامشهود با یکدیگر تفاوت‌های زیادی دارند و اکثراً هم به عنوان رویکرد گزارشگری سرمایه فکری یا دارایی نامشهود شناخته می‌شوند. اکثر رویکردهای ارائه شده توسط این محققان با یکدیگر همپوشانی دارد. تقریباً همه‌ی مدل‌های ارائه شده در ادبیات حاضر توسط نویسندگان آنها ادعا می‌شود که مربوطترین مدل می‌باشند. با این حال هیچ یک از این رویکردها از مقبولیت عام برخوردار نگردیده؛ زیرا که اکثر این روش‌ها دارای گرایش کیفی و ماهیتی ذهنی بوده، فاقد اعتبار تجربی چندان بالایی می‌باشند و در عین حال کلی بوده و قریب به اتفاق از مبانی تئوریک قوی برخوردار نمی‌باشند. در مجموع با توجه به مطالب فوق می‌توان بیان کرد افشای دارایی‌های نامشهود با سه مسئله‌ی اصلی روبرو است: تعریف و شناسایی، اندازه‌گیری، و افشا برای استفاده‌کنندگان. در خصوص این مسائل رویکرد جامع و پذیرفته شده‌ای وجود ندارد. به نظر می‌رسد موضوع مربوط به افشای دارایی‌های نامشهود چه از دیدگاه تئوریک و چه از دیدگاه عملی هنوز هم در مرحله طفولیت خود قرار دارد. بسیاری از صاحب‌نظران نسبت به مفید بودن صورت‌های مالی کنونی دچار تردید می‌باشند. آنها تغییرات قابل توجهی را برای صورت‌های مالی کنونی شناسایی کردند که اگر اعمال شود گزارش‌های مالی را به منظور اتخاذ تصمیمات مفیدتر توانمندتر می‌سازد. یکی از منابع اصلی این تغییرات عدم شناسایی و افشای صحیح دارایی‌های نامشهود می‌باشد (جونز<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۱؛

کانگ و گری<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۱؛ هولاند<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۹؛ لو و همکاران<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۹.

همانطور که بیان شد مباحث مربوط به دارایی‌های نامشهود در مرحله طفولیت و در حال رشد می‌باشد و ادبیات تجربی کمی در خصوص تفاوت در دیدگاه ذینفعان نسبت به افشای دارایی‌های نامشهود در صورت‌های مالی وجود دارد (فاروک و همکاران<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۴؛ لو و همکاران، ۲۰۰۹). اغلب مطالعات، مربوط بودن ارزش این دارایی‌ها را در بازارهای مالی مورد توجه قرار داده‌اند، ارتباط بین اطلاعات مربوط به دارایی‌های نامشهود با سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران در بازارهای سرمایه (پاتل و ناراین<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۹؛ وایات<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۸) می‌تواند مثال از اینگونه موارد باشد. در اکثر آنها روش پژوهش بکار گرفته شده مطالعات موردی مقطعی و تحلیل محتوای است که تنها بر دیدگاه یک گروه، منطقه یا صنعت خاصی تمرکز کرده‌اند (کاسترو سائز<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۸) و تنها تعداد کمی از مطالعات به تحلیل جزئیات الزامات و نیازهای سرمایه‌گذاران در این خصوص پرداخته‌اند. براین اساس تعیین میزان اطلاعات مفید مرتبط با دارایی‌های نامشهود به منظور تصمیمات سرمایه‌گذاری بطور واضح در دسترس نمی‌باشد. دومین مسئله‌ای که در خصوص تحقیقات در زمینه ارتباط اطلاعات مرتبط با دارایی‌های نامشهود و تصمیمات سرمایه‌گذاران وجود دارد این است که اغلب این تحقیقات بر سهامداران تاکید داشته‌اند نه بر همه ذینفعان. بررسی تحقیقات پیشین همچنین نشان می‌دهد مطالعات بسیار محدودی به موضوع دارایی‌های نامشهود از دیدگاه اعتباردهندگان پرداخته‌اند. در نهایت، بنا بر عقیده بسیاری از صاحب نظران، حسابداری صورت‌های مالی فعلی دیگر مفید نیستند. یکی از دلایل اصلی نظر این محققان نیز فقدان اطلاعات مرتبط با مفاهیم دارایی‌های نامشهود در صورتهای مالی است (ادوینسون<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۳؛ جونز<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۱؛ کانگ و گری، ۲۰۱۱). این دیدگاه‌ها یا از مشاهدات شخصی نویسندگان و یا با تحقیق در زمینه نظریه حسابداری اثباتی<sup>۲۰</sup> حاصل شده است (گارانینا و همکاران<sup>۲۱</sup>، ۲۰۱۴؛ نولد<sup>۲۲</sup>، ۲۰۱۲؛ پاتل و ناراین، ۲۰۰۹؛ وایات، ۲۰۰۸). با توجه به این مهم و نظر به ضرورت افشای دارایی‌های نامشهود، ضروری است در پژوهشی ضمن بررسی این مفهوم در ادبیات حسابداری امروز، به بررسی نقاط ضعف رویه‌های حسابداری فعلی در برخورد با دارایی‌های نامشهود، کنکاش در مورد موانع ایجاد تغییر در رویه‌های جاری و نهایتاً ارائه پیشنهادی در مورد تدوین استانداردهای حسابداری منطبق با دارایی‌های نامشهود پرداخت.

## ۲- روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر طبقه‌بندی بر مبنای هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی است. روش تحقیق حاضر روش شناخت تاریخی در چارچوب مطالعات کتابخانه‌ای و از نوع پژوهش‌های تئوریک و نظری و مبتنی بر پیشینه تحقیقات مرتبط با موضوع پژوهش است. در حقیقت بر اساس این رویکرد محقق قصد دارد با تبیین و تشریح مشکلات اساسی کنونی در گزارشگری دارایی‌های نامشهود و آسیب‌های جدی ناشی از آن، به سوال اصلی پژوهش مبنی بر اینکه آیا زمان اصلاح و تجدید نظر اساسی در ساختار کنونی گزارشگری دارایی‌های نامشهود فرا رسیده است یا خیر، پاسخ، و در نهایت رویکردی متفاوت برای حل این مسئله معرفی نماید.

## ۳- مبانی نظری و مروری بر پیشینه تحقیق

### ۳-۱- افشای دارایی‌ها و گزارشگری مالی

یکی از عوامل توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه، داشتن یک سیستم اطلاعاتی است. اطلاعات، آگاهی و هوشیاری می‌دهد، شگفتی می‌آفریند، ایجاد انگیزه می‌کند و از عدم اطمینان می‌کاهد. اطلاعات گزینه‌های جدید را آشکار ساخته و موجب حذف گزینه‌های ضعیف می‌گردد و سرانجام افراد را تحت تاثیر قرار داده و آن‌ها را بر می‌انگیزد که اقدامی به عمل آورند. اطلاعات به ویژه در کسب و کار و تجارت باید قبل از آنکه دیر شود، علائم هشداردهنده بفرستد و از آینده خبر دهد. از آنجا که سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان دو گروه اصلی استفاده‌کننده برون سازمانی از اطلاعات حسابداری به شمار می‌آیند، یکی از رسالت‌های اصلی گزارشگری مدیریت و سیستم‌های حسابداری، تهیه و ارائه اطلاعات مربوط، جهت فراهم کردن مبنایی برای تصمیم‌گیری منطقی سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان می‌باشد. اهمیت بالای اطلاعات در گروه افشای دقیق و به موقع اطلاعات توسط شرکت‌ها می‌باشد. بنابراین کلیه واقعیت‌های با اهمیت واحد اقتصادی، باید به گونه‌ای مناسب و کامل افشا شوند و از طرف دیگر، اطلاعاتی که ارائه می‌شود نباید از لحاظ کمیت و کیفیت به گونه‌ای باشد که موجبات سردرگمی استفاده‌کنندگان را فراهم کند. نقش اصلی گزارشگری مالی، انتقال اثربخش اطلاعات به افراد برون سازمانی به روشی معتبر و به موقع است. مدیران می‌توانند از آگاهی خود درباره فعالیت‌های تجاری شرکت برای بهبود اثربخشی صورت‌های مالی به عنوان ابزاری برای انتقال اطلاعات به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان استفاده نمایند (مشایخ و میمنت آبادی، ۱۳۹۳). شرکت‌ها، افشای اطلاعات را

از طریق صورت های مالی، یادداشت های توضیحی، گزارش مجامع عمومی، رسانه ها و سایت های اینترنتی، انجام می دهند. تصمیم گیری در رابطه با افشا یا عدم افشا اطلاعات توسط مدیریت، تحت تاثیر دو عامل اصلی می باشد. عوامل داخلی که مربوط به ویژگی های شرکت می باشد، مثل ساختار هیات مدیره، ترکیب سهامداران و ... همچنین عوامل بیرونی تاثیرگذار مانند رقابت بازار محصول، مقررات قانونی و نوع صنعت (خدای پور و برزایی، ۱۳۹۲).

به طور کلی استفاده کنندگان برای تصمیم گیری های اقتصادی بر اطلاعات موجود در صورت های مالی تکیه می کنند و برخی پژوهشگران (گراهام و همکاران<sup>۲۳</sup>، ۲۰۰۵) مزایای اقتصادی افشای مربوط و کامل برای محصولات را بیان می کنند، حتی اگر، برای افشاء شرکت ها مستلزم سرمایه گذاری بر سیستم های اطلاعاتی باشند (بوتوسان<sup>۲۴</sup>، ۲۰۰۰). شواهد تجربی نشان می دهد که اطلاعات مهمی نظیر اطلاعات مرتبط با دارایی های نامشهود، مسئولیت اجتماعی و زیست محیطی شرکت، مکانیزم های حاکمیت شرکتی و چشم انداز آتی فعالیت های شرکت جایگاهی در گزارشگری سنتی ندارند. لذا در راستای رفع نواقص گزارشگری سنتی لازم است الگوها و چارچوب هایی برای افشای این گروه از اطلاعات تدوین و ارائه گردد که بتواند تا حد امکان نیازهای اطلاعاتی ذینفعان را مرتفع سازد (رحمانی و بشیری منش، ۱۳۹۳).

### ۲-۲- مفهوم دارایی های نامشهود

امروزه مدل جدیدی از دارایی ها در عرصه سازمانی مطرح شده و به طور کلی، دارایی های سازمان ها را به دو دسته دارایی های مشهود و نامشهود تقسیم می کنند. ارزش بازار دارایی های شرکت میکروسافت در سال ۲۰۰۱ حدود ۵۵ میلیارد دلار بوده، در حالی که در همان زمان ارزش سهام این شرکت در بازار بورس حدود ۳۰۰ میلیارد دلار بود، لذا تفاوتی حدود ۲۵۰ میلیارد دلاری به چشم می خورد. دانش انجام کار یک شرکت، تحت عناوین متفاوتی نام گذاری می شود که در این بین، نام های مشترکی که به چشم می خورد عناوین دارایی های نامشهود و سرمایه فکری است. به دلیل کاربردهای زیاد این دو واژه، در حال حاضر بسیاری از صاحب نظران، آن ها را هم معنی می دانند (عالم تبریز و همکاران، ۱۳۸۸). از دیدگاه حسابداری، دارایی های غیرجاری را می توان به دو گروه مشهود و نامشهود تقسیم کرد. دارایی مشهود عینیت دارد ولی دارایی نامشهود فاقد عینیت است. دارایی نامشهود به یک دارایی غیرپولی و فاقد ماهیت عینی اطلاق می شود (استانداردهای حسابداری ایران، ۱۳۸۹) که به لحاظ حقوقی و

مزایایی که مالکیت بر آن فراهم می آورد، دارای ارزش است. شناسایی دارایی های نامشهود، همواره با مشکلاتی همراه بوده است. با این حال سرمایه های فکری دارای اهمیت اقتصادی قابل توجهی برای بسیاری از شرکت ها می باشد و اثرات ناشناخته آنها هنوز هم در موضوعات حسابداری مورد بحث و بررسی است (شیمان و همکاران<sup>۲۵</sup>، ۲۰۱۵). مطالعه اهمیت دارایی های نامشهود بر اساس دیدگاه مبتنی بر منابع<sup>۲۶</sup> (RBV) و دیدگاه قابلیت های پویای شرکت<sup>۲۷</sup> (DCV) انجام می گیرد. در RBV، منابع کلیدی (منابعی که دارای چهار ویژگی اصلی ارزشمند، کمیاب، غیرقابل تقلید و غیرقابل جایگزینی و قابلیت سازمانی کردن و به کارگیری است)، می توان برای شرکت مزایای رقابتی پایدار ایجاد کند (بارنی، ۱۹۹۱). بنابراین طبق این دیدگاه، منابع نامشهود نیز همانند منابع مشهود بر مزیت رقابتی و عملکرد شرکت اثرگذار هستند (مارزو<sup>۲۸</sup>، ۲۰۱۱). دارایی نامشهود به مجموعه دانش ها و توانایی های همه کارکنان اطلاق می شود که ایجاد ثروت برای سازمان را به دنبال دارد (چن و همکاران<sup>۲۹</sup>، ۲۰۰۴). دارایی های نامشهود تفاوت بین ارزش بازار یک سازمان و هزینه جایگزینی دارایی های آن است. دارایی نامشهود به دارایی غیرپولی و فاقد ماهیت عینی اطلاق می شود که به لحاظ حقوقی و مزایایی که بر آن فراهم می آورد، دارای ارزش است. دارایی نامشهود شامل همه منابعی است که هرچند فاقد مواد فیزیکی هستند، اما مزایایی را در آینده نصیب صاحبان خود می کنند. این دارایی ها شامل دانش، نوآوری، شهرت و غیره است (کاستیلا-پولو و گالاردو-واکز<sup>۳۰</sup>، ۲۰۱۶). امروزه دارایی نامشهود نقش بسیار مهمی در سلامت سازمان ها دارند (مارتینز<sup>۳۱</sup>، ۲۰۱۴). نگاه اجمالی به تعریف های مختلف دارایی نامشهود نشان می دهد که پژوهشگران هنوز بر سر یک تعریف واحد از آن توافق نظر ندارند؛ با این حال از جهات بسیاری شباهت هایی بین تعاریف مشاهده می شود. اغلب صاحب نظران معتقدند دارایی نامشهود یک دارایی غیرپولی بدون ظاهر فیزیکی، اما دارای ارزش است و می تواند منافع یا عوایدی را در آینده تولید کند (چونگ<sup>۳۲</sup>، ۲۰۰۸).

### ۳-۳- پیامدها و آسیب های ناخواسته قوانین حسابداری

#### فعلی در قبال دارایی های نامشهود

نیاز به تغییر قوانین حسابداری برای دارایی های نامشهود را می توان بر اساس این دلایل توجیه کرد که، بسیاری از منابع استراتژیک و ارزش آفرین کسب و کارها مانند اختراعات، فناوری اطلاعات و یا نام و نشان تجاری به عنوان دارایی در گزارش های مالی به رسمیت شناخته نمی شوند (لو و همکاران<sup>۳۳</sup>،

۲۰۰۵). علاوه بر این، عدم انطباق اساسی بین روش حسابداری در رابطه با دارایی‌های نامشهود ایجاد شده در داخل شرکت و دارایی‌های نامشهود خریداری شده با عملکرد مشابه از خارج از شرکت، مقایسه عملکرد معنی دار شرکت‌های همگن با استراتژی‌های نوآورانه مختلف (تولید داخلی در مقابل کسب از خارج از کسب و کار) را غیر ممکن می‌سازد. در کنار موارد یاد شده، افزایش هزینه‌های نامشهود نیز در گزارش‌های مالی به طور جدی ناکارآمد و ناقص است. به استثنای تحقیق و توسعه، تمام هزینه‌های نامشهود دیگر معمولاً در اقلام هزینه‌های دیگر ترکیب می‌شوند. برای مثال، سرمایه‌گذاران به هیچ وجه نمی‌دانند که شرکت به چه میزان در آموزش کارکنان و یا فناوری اطلاعات منابع صرف می‌کند یا اینکه آیا ارزش نام تجاری حفظ و ارتقا داده می‌شود و یا ارزش آن در حال کاهش است. بنابراین نیاز به تغییر رویه‌های حسابداری و گزارش دهی در قبال دارایی‌های نامشهود به نظر ضروری می‌رسد (لو، ۲۰۱۸). در ادامه به برخی از آسیب‌ها و پیامدهای ناخواسته ناشی از رویه‌های فعلی حسابداری در قبال دارایی‌های نامشهود پرداخته می‌شود.

**الف. کاهش سود:** بدون شک سود خالص ناشی از فعالیت‌های یک کسب و کار، مرکز ثقل توجه مدیران و سرمایه‌گذاران است. در واقع اکثر تحلیلگران از روش‌های متنوعی برای پیش‌بینی سودهای کوتاه‌مدت و بلندمدت استفاده می‌کنند و توصیه‌های سرمایه‌گذاری را بر اساس این مدل‌ها ارائه می‌کنند. مدیران نیز توجه و تمرکز ویژه‌ای بر سود شرکت دارند، به گونه‌ای که در برخی موارد برای مطابقت سود حاصله با اهداف پیش‌بینی شده مورد انتظار، اقدام به دستکاری سود می‌کنند. بدیهی است که کاهش سود ناشی از عدم ارائه مناسب دارایی‌های نامشهود در گزارش‌های مالی مرتبط، موجب آسیب قابل توجهی به سرمایه‌گذاران و دیگر کاربران گزارش‌های مالی می‌شود. این دارایی‌ها به راحتی قابل ارائه نبوده و نمی‌توان آن‌ها را با روش‌های فعلی حسابداری اندازه‌گیری کرد و مورد حسابرسی قرار داد، لذا در سود گزارش شده به ذی‌نفعان نشان داده نمی‌شوند. بنابراین دارایی‌های نامشهود تاثیر مستقیمی بر کیفیت و مربوط بودن گزارش‌های سود ارائه شده به سرمایه‌گذاران و مدیران کسب و کار دارد. عدم ارائه دارایی‌های نامشهود در گزارش‌های مالی مرتبط با سود شرکت نه تنها می‌تواند باعث نگرانی سرمایه‌گذاران شود، بلکه باید به دغدغه و مشکل اصلی بسیاری از مدیران تبدیل شود چراکه بخش قابل توجهی از ارزیابی عملکرد مدیران به گزارش‌های سود و سوددهی شرکت ارتباط دارد. در راستای توضیح این مشکل می‌توان به دوران پررونق اقتصاد ایالات

متحده آمریکا طی سال‌های ۲۰۱۶ الی ۲۰۱۷ اشاره کرد که با وجود رونق و توسعه اقتصادی، ۴۰ الی ۵۰ درصد کل شرکت‌ها و نزدیک به ۷۰ درصد شرکت‌های با تکنولوژی بالا<sup>۳۴</sup> (شامل شرکت‌های دارویی، بیوتکنولوژی و غیره) گزارش کاهش سود را ارائه کرده‌اند. بدیهی است که این زیان عظیم و فراگیر عملکرد واقعی این شرکت‌ها را ارائه نمی‌کند. زیان نشان داده شده برای تقریباً نیمی از این شرکت‌های مبتنی بر دانش به این علت است که در این شرکت‌ها عموماً دارایی‌های نامشهود به عنوان هزینه در صورت‌های مالی ارائه شده است. مسلم است که اظهار سود ناشی از این رویه‌ی حسابداری برای شرکت‌های مبتنی بر دانش اساساً اشتباه است (لو، ۲۰۱۸).

**ب. آسیب زدن به تخصیص بهینه بازار سرمایه:** در حالت ایده‌آل سرمایه و بودجه سرمایه‌گذاران می‌بایست به فرصت‌های امیدوارکننده در شرکت‌های با عملکرد مناسب اختصاص یابد. عدم ارائه دارایی‌های نامشهود در صورت‌های مالی و ترازنامه شرکت‌ها منجر به این مورد می‌شود که دارایی‌های شرکت‌های مذکور به طور کامل به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی به خصوص سرمایه‌گذاران نشان داده نشود. این ضعف مهم در شرکت‌های با تکنولوژی بالا که عموماً سرمایه‌ها و دارایی‌های نامشهود آن‌ها بسیار بیشتر از دارایی‌های مشهود است، بیشتر متداول است؛ که این موضوع باعث می‌شود سرمایه‌گذاران نتوانند شرکت‌های با قابلیت و پتانسیل مناسب را جهت سرمایه‌گذاری هدفمند و سودده انتخاب کنند (لیناینما و رابرتس<sup>۳۵</sup>، ۲۰۱۸). از طرف دیگر عدم ارائه دارایی‌های نامشهود در صورت‌های مالی باعث می‌شود این دارایی‌ها به صورت هزینه‌های شرکت در صورت‌های مالی گزارش شوند و بدین ترتیب منجر به کاهش سود نهایی شرکت می‌شود. بدیهی است که سود شرکت‌ها از نظر سرمایه‌گذاران در زمره اصلی‌ترین معیارهای تصمیم‌گیری برای انتقال و تزریق سرمایه است. بنابراین به هر میزان که دارایی‌های نامشهود به عنوان هزینه در صورت‌های مالی ارائه شوند، تخصیص نامناسب سرمایه وجود خواهد داشت (لو، ۲۰۱۸).

**ج. کاهش عرضه اولیه اوراق بهادار:** مورد عجیب و غیرمنتظره‌ای که در بازار سرمایه ایالات متحده رخ داده، این است که تعداد شرکت‌های عرضه شده در بازار بورس اوراق بهادار این کشور به شدت در حال کاهش است. بر اساس مطالعات دویگ و همکاران<sup>۳۶</sup> (۲۰۱۸) در سال ۱۹۹۷، ۷۵۰۹ شرکت سهامی عام در ایالات متحده وجود داشته است که در سال ۲۰۱۶ این تعداد به ۳۶۱۸ مورد کاهش داشته است؛ که معادل ۵۲ درصد کاهش می‌باشد. نکته قابل توجه اینکه این پدیده منحصربرفرد مختص ایالات متحده بوده است. به همین

علت موجی از ادغام ها و تحصیل شرکت های عمومی ایالات متحده توسط سایر شرکت ها به وجود آمده است که دلیل اصلی این پدیده کاهش عرضه اولیه اوراق بهادار است. عدم ارائه و پوشش مناسب دارایی های نامشهود توسط رویه های جاری حسابداری موجب نادیده گرفتن بخش زیادی از دارایی های شرکت ها (به ویژه شرکت های دانش بنیان) می شود که این امر باعث می شود که دارایی های واقعی این شرکت ها کمتر از واقع گزارش شوند. بدین ترتیب دارایی این شرکت ها نمی تواند به سقف مورد نظر جهت اخذ مجوز عرضه اولیه اوراق بهادار در بورس، دست یابد و بنابراین این دسته از شرکت ها نمی توانند راهی به بورس داشته باشند. حسابرسی نادرست دارایی های نامشهود این شرکت ها موجب تخصیص نادرست سرمایه های مورد نظر، کاهش سود مربوط، افزایش عدم قطعیت تحلیلگران در مورد آینده عملیاتی شرکت و کاهش محتوای اطلاعاتی قیمت می شود، که تمامی این موارد در عدم عرضه اولیه اوراق این شرکت ها به بورس تاثیر مستقیم دارند (اوسوالد و همکاران، ۲۰۱۷، ۳۷).

#### ۳-۴- افشای خارج از چارچوب

آسیب های جدی وارده به اقتصاد و سرمایه گذاران، ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی که سرمایه گذاری در دارایی های نامشهود را احاطه کرده و ضعف در استاندارد حسابداری مربوط، تغییر در نحوه گزارشگری این دارایی ها را ایجاد می کند. یکی از راه حل های پیش بینی شده برای رفع این مشکل افشای خارج از چارچوب های فعلی همچون، گزارشگری چندستونی (لوئیس و پندریل، ۲۰۰۴)، گزارشگری مرکب (هیات گزارشگری بین المللی ترکیبی، ۲۰۱۷)، یا گزارشگری تحت وب می باشد. اما هر یک از این رویکردها نیز دارای ضعف های خاص خود می باشد. گزارشگری چندستونی اشاره به ارائه دو یا چند ارزش برای دارایی ها و بدهی ها، یا ارائه چند رقم سود در صورت های مالی دارد که بر اساس چارچوب های مفهومی متفاوت و برای گروه های مختلف استفاده کننده (لوئیس و پندریل، ۲۰۰۴) تهیه شده است. این رویکرد به چارچوب فعلی گزارشگری مالی نزدیک تر است یا به عبارتی نمونه ای توسعه یافته از آن می باشد. ممکن است این دیدگاه جذاب به نظر رسد و گروه های وسیعتری از استفاده کنندگان را در بر گیرد اما با این حال می تواند منجر به گیج شدن و گمراهی استفاده کنندگان نیز گردد. به عبارتی استفاده کنندگان تنها ارقامی را که مختص آن گروه تهیه شده را مطالعه نمی کنند بلکه به دیگر ارقام نیز توجه می کنند و ممکن است اهداف متفاوتی که پشت این ارقام قرار دارد را بدرستی درک نکنند. گزارشگری ترکیبی یک چارچوب

مبتنی بر اصول برای توضیح به تامین کنندگان سرمایه است که چطور یک سازمان در طی زمان ارزش می آفریند. گزارشگری ترکیبی تنها محدود به اقلام نامشهود نمی شود (هیات گزارشگری بین المللی ترکیبی، ۲۰۱۷). این رویکرد در خصوص جزئیات چگونگی ادغام اطلاعات مربوط به دارایی های نامشهود تجویزی ارائه نمی دهد اما چارچوبی کلی را ارائه می دهد که به وسیله آن می توان ارتباط بین عناصر ایجاد کننده ارزش از قبیل دارایی های مالی و فیزیکی را در آن ارائه داد. راه دیگر جهت افشا و انتشار اطلاعات مربوط به دارایی های نامشهود از طریق اینترنت است. افشای اطلاعات مالی مبتنی بر اینترنت عموماً بر اساس فرمت ارائه و محتوای افشا طبقه بندی می شود (هیئت استانداردهای حسابداری مالی، ۲۰۰۰، ۳۸). این روش سرعت ارائه اطلاعات را افزایش و هزینه انتشار اطلاعات را کاهش می دهد (کمیسون بورس و اوراق بهادار، ۲۰۱۳)، با این حال اگر درست مدیریت نشود ممکن است منجر به اضافه بار اطلاعات شود. افشای اطلاعات مبتنی بر اینترنت با توجه به انعطاف پذیری آن، همچنین می تواند به کاربران بطور خاص در استفاده از لینک ها کمک کرده (کلتون و همکاران، ۲۰۱۲) و با ارائه ساختاری متمایز و مربوط، کنترل کاربران بر جست و جو و کسب اطلاعات را افزایش داده و منجر به کاهش تلاش های اضافی و در نهایت بهبود کارایی تصمیم گیری شود (آرنولد و همکاران، ۲۰۱۲). افشای مبتنی بر اینترنت همچنین با راهنمایی استفاده کنندگان به اطلاعات مربوط می تواند این امکان را فراهم کند تا اطلاعات متمایز برای اهداف متفاوت بدون اینکه منجر به سردرگم شدن کاربران شود، افشا شود.

در ادبیات موجود علاوه بر روش های فوق رویکردهای دیگری نیز برای افشای اطلاعات پیشنهاد شده است که بطور ویژه جهت گزارشگری دارایی های نامشهود طراحی شده اند و به منظور غلبه بر ضعف ها و نقص های رویکردهای فعلی انتشار صورت های مالی، توسعه یافته اند. رویکردهای مذکور در انواع مختلفی وجود دارند چرا که فاقد یک چارچوب مفهومی عام می باشند. هر یک از آنها در ارزیابی، اندازه گیری، مدیریت و گزارشگری دارایی های نامشهود با یکدیگر تفاوت های زیادی دارند و اکثراً هم به عنوان رویکرد گزارشگری سرمایه فکری یا دارایی نامشهود شناخته می شوند. اسوبی (۲۰۰۹) ۳۴ متد را به منظور اندازه گیری دارایی های نامشهود شناسایی نمود، کافمن و همکاران (۲۰۰۴) ۳۶ نیز آیتم را به این منظور شناسایی نمودند و اندریسن (۲۰۰۴) ۴۴ هم ۲۵ روش را به منظور اندازه گیری دارایی های نامشهود ارائه داد. علاوه بر این دیومی و گارائینا (۲۰۱۳) ۴۵ نشان دادند که بیش از ۵۰ رویکرد

مرتبط با دارایی‌های نامشهود به منظور اندازه‌گیری آنها وجود دارد. همانطور که از مطالب فوق استنتاج می‌شود رویکرد کارا و جامعی به منظور پوشش ضعف‌های چارچوب فعلی گزارشگری دارایی‌های نامشهود ارائه نگردیده است؛ اما این اجماع وجود دارد که یکی از اقداماتی که حسابداران در جهت کاهش عدم اطمینان سرمایه‌گذاران و متعاقب آن کاهش در هزینه سرمایه می‌توانند انجام دهند این است که اطلاعات سرمایه‌گذاران در خصوص دارایی‌های نامشهود را با اصلاح قوانین حسابداری مربوط بهبود بخشند و از این طریق ریسک اطلاعاتی آنها را کاهش دهند. به عبارتی تنها این پژوهش نیست که خواستار تغییر در گزارشگری مربوط به دارایی‌های نامشهود است. در مصاحبه‌ای که شورای مشورتی استانداردهای حسابداری مالی (FASAC) در سال ۲۰۱۵ از سرمایه‌گذاران انجام داد، پاسخ دهندگان بیان نمودند که گزارشگری فعلی دارایی‌های نامشهود اطلاعات مفیدی را برای تصمیم‌گیری ارائه نمی‌دهد و نیاز به اطلاعات بهتری می‌باشد (FASB, ۲۰۱۶)؛ اما هنوز پس از گذشت ۴ دهه، حسابداری برای دارایی‌های نامشهود به سختی تغییر می‌کند.

### ۳-۵- موانع تغییر حسابداری و گزارشگری دارایی‌های نامشهود

تغییر و تحول اساسی در مدل‌های کسب و کار تجاری از تکیه بر منابع ملموس و مشهود به دارایی‌های نامشهود چندین دهه است که در حال شکل‌گیری است و عدم کفایت حسابداری برای این قبیل دارایی‌ها پرواضح است اما سیاست-گذاران حسابداری همچنان در برابر این تغییر مقاومت می-کنند. در اولین جلسه سالانه پژوهشگران FASB در اوایل دهه ۱۹۹۰ قانون هزینه کردن مخارج تحقیق و توسعه به عنوان بدترین استاندارد توسط حاضرین در جلسه انتخاب شد. نظرات آنها تاکنون تغییر نکرده است اما، چرا حسابداری برای دارایی-های نامشهود تاکنون تغییر نکرده است؟ جالبتر اینکه تا قبل از این، دارایی‌های نامشهود دوبار تاکنون در دستور کار FASB قرار گرفته است؛ اما روشن است که هیچ اصلاحی برای حسابداری دارایی‌های نامشهود بدون شناخت و درک موانع تغییر (شناسایی نیروهایی که وضعیت فعلی حفظ می‌کنند) امکان‌پذیر نیست. در ادامه برخی از این موانع عنوان و تشریح می‌گردد:

**الف. دیدگاه:** استانداردها-گذاران عموماً دیدگاه وسیعتری نسبت به چارچوب حسابداری مالی دارند. آنها نه تنها مربوط

بودن یا نبودن اطلاعات برای سهامداران را مورد توجه قرار می-دهند بلکه می‌خواهند مطمئن شوند که اطلاعات مالی ارائه شده در صورت‌های مالی برای همه ذینفعان مفید باشد. به بیان دیگر قانون‌گذاران حسابداری مالی با توجه به همه ذینفعان مختلف و نه صرفاً گروهی خاص از استفاده‌کنندگان به اصلاح چارچوب فعلی یا بکارگیری استانداردی جدید می‌پردازند. استانداردها-گذاران بر این دیدگاه می‌باشند که شرکت‌ها باید خود بطور داوطلبانه اطلاعات مربوط را برای ذینفعان افشا کنند، این دیدگاه باعث می‌شود آنها ایجاد چارچوبی جدید برای گزارشگری دارایی‌های نامشهود را نادیده بگیرند.

**ب. عدم ضرورت:** به نظر می‌رسد ضرورتی برای تغییر در حسابداری دارایی‌های نامشهود از طرف سیاست‌گذاران احساس نمی‌شود. قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران عموماً به بحران‌ها واکنش نشان می‌دهند؛ برای مثال قوانین سابینز آکسلی و تغییر در قوانین حسابداری که در اوایل سال ۲۰۰۰ صورت انجامید در پی رسوایی‌های حسابداری شرکت‌های انرون و وردکام صورت گرفت؛ و یا قانون حمایت از مصرف‌کننده و اصلاحات وال استریت داد-فرانک در پی بحران مالی سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ انجام پذیرفت. ولی افسوس که ظهور و رشد دارایی‌های نامشهود، رسیدن به وضعیت فعلی و تلقی به عنوان خالق اصلی ارزش در واحد تجاری، و جایگزین شدن با دارایی-های مشهود سنتی، بحران ایجاد نمی‌کند. تحولی تدریجی که از دهه ۱۹۸۰ شروع شد و هنوز ادامه دارد. می‌توان ادعا نمود که در ارتباط با دارایی‌های نامشهود، استانداردها-گذاران حسابداری فشارهای شدید و فوری را از طرف عموم به منظور تغییر استانداردهای منسوخ گزارشگری مالی و حسابداری احساس نمی‌کنند؛ با وجود اینکه کمبودها و نقص‌های آشکار آن کیفیت اطلاعات مالی را هدف قرار داده است. استاندارد‌گذاران می‌توانند حتی فریاد سرمایه‌گذاران برای تغییر در حسابداری دارایی‌های نامشهود را بدون هیچ توجهی نادیده انگارند چرا که عدم فشار مساوی با عدم تغییر. بر این اساس اعتقاد بر این است مانع اصلی برای تغییر در حسابداری دارایی-های نامشهود نبود انگیزه تغییر برای ذینفعان اصلی و صاحبان نفوذ در استاندارد‌گذاری است.

**ج. عدم تمایل مدیران به ارائه دارایی‌های غیرقطعی در ترازنامه:** بررسی‌های صورت گرفته گویای این است که مدیران مالی و مدیران اجرایی نیز موافقت که گزارش‌های مالی فعلی در ارتباط با دارایی‌های نامشهود ناقصند. اما چرا مدیران اطلاعات اضافی و خارج از اصول حسابداری افشا نمی‌کنند؟ می‌توان پاسخ را اینگونه بیان کرد که امروزه گزارش‌های مالی

هزینه کردن آن، سرمایه‌گذاری در تحقیق بطور ضعیف افزایش اما، سرمایه‌گذاری در توسعه با شدت یکسان با هزینه‌های تحقیق کاهش می‌یابد.

دین و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان سرمایه‌ای کردن هزینه‌های تحقیق و توسعه: سیگنال دهی یا مدیریت سود، به بررسی و تحلیل مخارج تحقیق و توسعه بر اساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی پرداختند. به عقیده آنها اختیار در سرمایه‌ای کردن هزینه‌های تحقیق و توسعه می‌تواند این فرصت را برای مدیران خلق کند تا بتوانند از این طریق اطلاعات خصوصی خود در ارتباط با منافع اقتصادی آتی را علامت‌دهی نمایند. از طرف دیگر، این اختیار می‌تواند به عنوان ابزاری برای مدیریت سود در اختیار مدیران قرار گیرد. نتایج پژوهش آنها نشان داد ارزش بازار در همه شرکت‌های نمونه ارتباط معناداری با سرمایه‌ای کردن هزینه‌های تحقیق و توسعه ندارد که این می‌تواند نگرانی در ارتباط با مدیریت سود را تقویت کند. این پژوهشگران سپس شرکت‌هایی را که سرمایه‌ای کردن هزینه‌های تحقیق و توسعه آنها ارتباط مثبتی با تلاش آنها در جهت بالابردن سودشان از یک آستانه مشخص داشت را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان داد تصمیم در خصوص اینکه آیا چنین هزینه‌هایی را سرمایه‌ای بکنند یا خیر، و اینکه یا اینکه چه میزان از این هزینه‌ها را سرمایه‌ای نمایند ارتباط مثبتی با قصد آنها در بالا بردن معیارهایی چون سود پیش‌بینی شده تحلیلگران یا سود سال گذشته شرکت دارد. نتایج آنها همچنین نشان داد ارزش بازار شرکت در این شرکت‌ها رابطه‌ای منفی با سرمایه‌ای کردن هزینه‌های تحقیق و توسعه دارد. به بیان دیگر بازار سرمایه‌ای کردن هزینه‌های تحقیق و توسعه برای شرکت‌هایی که عملکرد مطلوبی دارند به جهت اینکه در راستای بهبود معیارهای سود این عمل صورت نمی‌گیرد مثبت ارزیابی می‌کند.

آل هامادین و همکاران<sup>۴۸</sup> (۲۰۱۴) به بررسی اقدامات افشای داوطلبانه و اختیاری اطلاعات دارایی‌های نامشهود در صنایع کشور اردن پرداختند. همچنین در این پژوهش ارزیابی شده که شرکت‌های صنعتی اردن به چه میزان اطلاعات مربوط به دارایی‌های نامشهود را گزارش می‌کنند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که افشای فنی دارایی‌های نامشهود با بازار سرمایه‌گذاری مرتبط است، در حالی که افشای عمومی دارایی‌های نامشهود (غیر فنی) با بخش زیرمجموعه شرکت مرتبط است. یافته‌های این تحقیق موجب نگرانی در مورد کارایی گزارش‌دهی شرکت‌ها در ارتباط با توانایی آنها در حفظ و ایجاد نوآوری در محیط کسب و کار خود در دراز مدت می‌شود.

ضرورتاً یک تطابق می‌باشند (تطابق با اصول پذیرفته شده حسابداری)، و در واقع تمایلی به اطلاع‌رسانی به سرمایه‌گذاران ندارند. نگرانی مدیران در خصوص از دست دادن مزیت‌های رقابتی در ارتباط با دارایی‌های نامشهود می‌تواند به عنوان عامل دیگر مطرح گردد. دلیل دیگری که می‌تواند مانع افشای دارایی‌های نامشهود در ترازنامه شود احتمال کاهش ارزش یا حتی از بین رفتن کامل آن در پی ظهور تکنولوژی‌های جدید باشد. در این صورت احتمالاً مدیران باید در برابر سرمایه‌گذاران پاسخگو باشند که چرا این مخارج به درستی و با اطمینان کامل صورت نگرفت یا چرا از آنها در برابر نابودی محافظت نشد. بنابراین آنها ترجیح می‌دهند که مخارج در راستای دارایی‌های نامشهود را بلادرنگ هزینه‌ای نمایند.

بنظر می‌رسد حسابداران نیز تمایلی به تغییر حسابداری دارایی‌های نامشهود ندارند و عموماً عدم اطمینان منافع آتی دارایی‌های نامشهود و فقدان ارزش منصفانه برای آن را دلیل این امر بیان می‌کنند. اما این فرض قابل رد وجود دارد که دلیل اصلی عدم تمایل آنها به تغییر، نگرانی‌های مرتبط با پاسخ‌دهی است. با سرمایه‌ای کردن دارایی‌های نامشهود، حساب‌برسان بطور دوره‌ای ارزش اینگونه دارایی‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهند که این مسئولیت حسابداران را افزایش می‌دهد (لو، ۲۰۱۸).

### ۳-۶- پیشینه‌ی پژوهش

در پژوهش‌های زیادی، اهمیت شناسایی و گزارشگری دارایی‌های نامشهود در گزارشگری مالی برون‌سازمانی مستند شده است. اوزکان<sup>۴۶</sup> (۲۰۱۷) بیان می‌کند، دارایی‌های نامشهود در موفقیت شرکت نقش شایان توجهی دارد. به باور وی، استانداردهای بین‌المللی در مقایسه با استانداردهای آمریکا از ارتباط ارزشی بیشتری برخوردار است و علت آن، شناسایی دارایی‌های نامشهود در ترازنامه شرکت‌ها است. در همین رابطه، رحمانی و قاسمی (۱۳۹۲) به بررسی ارتباط ارزشی سرقفلی پرداختند که تقریباً تنها دارایی نامشهود شناسایی شده در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

دی ویجنر و همکاران<sup>۴۷</sup> (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی اثرات اقتصادی سرمایه‌ای کردن هزینه‌های توسعه پرداختند. آنها با این نگاه که سرمایه‌ای کردن هزینه‌های توسعه ارائه دهنده یک سیگنال معتبر در ارتباط با پیشرفت عملیات تحقیق و توسعه صادر می‌کند، به بررسی اثر این سیگنال بر تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و رفاه اجتماعی پرداختند. نتایج آنها نشان داد با سرمایه‌ای کردن هزینه‌های توسعه بجای



رسمی و انعطاف پذیرتری مانند انتشارات داوطلبانه و روابط سرمایه گذار متکی هستند، تمایل دارند سطوح بالاتری از دارایی های نامشهود داشته باشند.

نیک کار و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی تاثیر سرمایه‌گذاری در دارایی نامشهود در توضیح دهندگی تأثیر سلامت مالی و مشکلات نمایندگی در ارزش بازار شرکت پرداختند. نتایج آنها نشان داد دارایی نامشهود مناسب، به شرکت برای دستیابی موفقیت-آمیز به ریشه‌های خلق ارزش کمک می‌کند؛ به عبارت دیگر، دارایی‌های نامشهود، محرک اصلی رشد و ایجاد ارزش در بسیاری از بخش‌های اقتصادی است. افزون بر این، نتایج نشان داد دارایی نامشهود در توضیح‌دهندگی ارتباط بین سلامت مالی شرکت (متغیر عملکرد شرکت) و هزینه نمایندگی (سیاست توزیع سود) در ارزش بازار شرکت، تأثیر معناداری دارد.

بیات و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی تاثیر سرمایه‌گذاری در دارایی‌های نامشهود بر جریان‌های نقد عملیاتی آتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج آنها نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه تأثیر معکوس و سرمایه‌گذاری در تبلیغات، آموزش و نرم افزارهای رایانه‌ای بدون اثر بر جریان‌های نقد عملیاتی آتی می‌باشند.

مشایخی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود به بررسی عوامل مؤثر بر افشای سرمایه فکری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته اند. نتایج بررسی ۶۳ شرکت (۱۸۹ سال - شرکت) طی بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ بیانگر آن است که فرصت رشد و عمر شرکت، رابطه مثبت و معنادار و سودآوری و اهرم مالی، رابطه منفی و معناداری با افشای سرمایه فکری دارد. همچنین مطالعه ی اجزای فکری، مشخص کرد که رابطه ی منفی و معناداری بین سودآوری، فرصت رشد و عمر شرکت با افشای سرمایه انسانی وجود دارد. در خصوص افشای سرمایه مشتری و سرمایه ساختاری نیز، نتایج مبین وجود رابطه مثبت و معنادار بین فرصت رشد و عمر شرکت و رابطه منفی و معنادار بین اهرم مالی و افشای سرمایه مشتری و سرمایه ساختاری است.

مشایخی و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی تعیین ارزش دارایی های نامشهود با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی پرداخته اند. در این مطالعه با استفاده از مدل مبتنی بر شبکه عصبی مصنوعی به شناسایی عوامل مؤثر در تعیین ارزش دارایی های نامشهود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. هدف اصلی از مدل کردن عوامل مؤثر بر ارزش دارایی های نامشهود با استفاده از شبکه های عصبی، بررسی میزان تاثیر پانزده متغیر ورودی (شامل

چاندر و مهرا<sup>۴۹</sup> (۲۰۱۱) به بررسی ۲۴۳ شرکت هندی پرداختند. این پژوهشگران گزارش های سالانه شرکت ها را برای تعیین درجه‌ای از افشای اطلاعات دارایی های نامشهود بررسی کردند. شاخص افشای دارایی‌های نامشهود بر اساس چارچوب دارایی‌های نامشهود که توسط سویبی<sup>۵۰</sup> (۱۹۹۷) ارائه شده و توسط گوتری و پتی<sup>۵۱</sup> (۲۰۰۰) مورد استفاده و آزمایش قرار گرفته است و توسط بسیاری از مطالعات بعدی نیز اصلاح شده و مورد استفاده قرار گرفته است، می‌باشد. نتایج نشان داد که سرمایه خارجی بیشترین میزان دارایی نامشهود را دارا بوده و دارای مقادیر افشایی ۳۷/۹۰٪ و ۳۵/۸۳٪ در سال های ۲۰۰۳-۲۰۰۴ و ۲۰۰۷-۲۰۰۸ می باشد. دیگر نتایج بیانگر این مهم است که گزارش های افشای دارایی های نامشهود سازماندهی نشده و غیر سیستمی است. همچنین نبود چارچوب مناسب برای افشای اطلاعات دارایی های نامشهود در گزارش های سالانه شرکت ها هویدا است.

کانگ<sup>۵۲</sup> (۲۰۰۶) در پژوهش خود به بررسی عوامل در ارتباط با اقدامات افشای داوطلبانه اطلاعات دارایی های نامشهود ۲۰۰ شرکت در حال ظهور پرداخت. در این پژوهش با استفاده از شاخص افشا بر اساس ارزیابی زنجیره ارزش (لو، ۲۰۰۱)، بخش های روایی گزارش های سالانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها از کاربرد چارچوب لو (۲۰۰۱) پشتیبانی می کنند. علاوه بر این، نتایج نشان می داد که میزان افشای دارایی های نامشهود با اهرم، پذیرش IFRS / GAAP، نوع صنعت و نسبت قیمت بازار به ارزش دفتری<sup>۵۳</sup> در ارتباط است. بر خلاف تحقیقات قبلی در مورد ارتباط اندازه شرکت و تمرکز مالکیت با افشای اطلاعات دارایی های نامشهود ارتباط معناداری مشاهده نشد. همچنین نتایج حاکی از این بود که فاکتورهای خاص یک کشور مانند سیاست های اقتصادی و سیستم حقوقی نیز به طور قابل توجهی با سطح افشای داوطلبانه دارایی های نامشهود در ارتباط است.

مطالعه گلب<sup>۵۴</sup> (۲۰۰۲) شواهدی ارائه می دهد که چگونه دارایی های نامشهود بر افشای اطلاعات شرکتها تأثیر می گذارد. سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه (تحقیق و توسعه) و تبلیغات اغلب منجر به بهبود محصولات جدید و به رسمیت شناختن نام تجاری می شود که ممکن است برای سالیان سال به نفع شرکت باشد. با این حال، بر اساس اصول کلی پذیرفته شده حسابداری عمومی<sup>۵۵</sup> (GAAP) این هزینه ها می بایست در گزارش های مالی ارائه شود. این محققان دریافتند که تحلیلگران تمایل دارند درآمد خود را در گزارش های خود و مدل های ارزش گذاری این شرکت ها نادیده بگیرند. نتایج ارائه شده نشان می دهد که شرکت هایی که به افشای اطلاعات غیر

نمی‌کنند با چالش مواجه می‌سازند. بنابراین می‌توان بیان کرد بهبود حسابداری برای دارایی‌های نامشهود موجب بهبود محتوای اطلاعاتی قیمت سهام می‌شود.

اوسوالد و همکاران (۲۰۱۷) شرکت‌های انگلیسی را که حسابداری خود در ارتباط با هزینه‌های تحقیق و توسعه را تغییر و مخارج مربوط را بجای هزینه، سرمایه‌ای تلقی نمودند مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان داد این تغییر روش سبب گردیده مخارج تحقیق و توسعه شرکت‌ها افزایش یابد، و این می‌تواند به عنوان یک اثر واقعی و مهم برای یک تغییر در حسابداری قلمداد شود. افزایش هزینه‌های تحقیق و توسعه همچنین موجب کاهش عدم اطمینان سرمایه‌گذاران نسبت به عملیات شرکت و بالتبع کاهش هزینه سرمایه گردیده است. آنها اینگونه نتیجه‌گیری می‌کنند که سرمایه‌ای کردن هزینه‌های تحقیق و توسعه حاوی ارزش اطلاعاتی است. به بیان دیگر، سرمایه‌ای کردن هزینه‌های تحقیق و توسعه موازنه بین مربوط بودن و عینیت را برقرار می‌نماید (لو، ۲۰۱۸).

#### ۴-۲- چه باید کرد؟

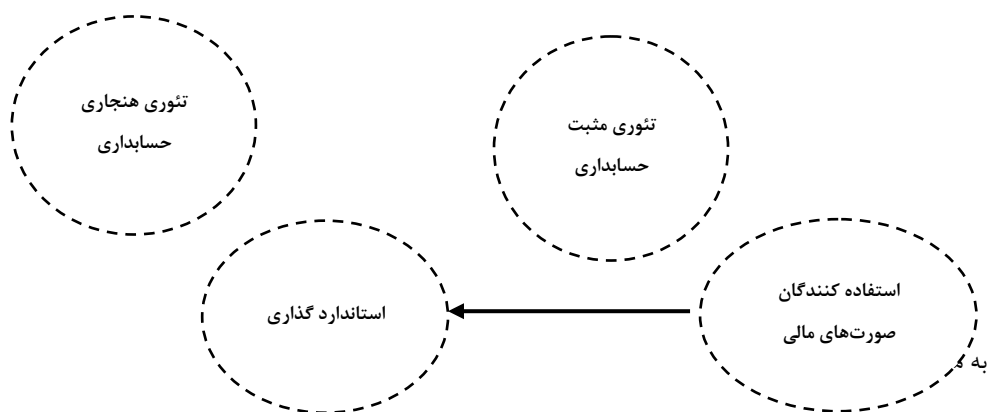
بر اساس نظر بسیاری از صاحب‌نظران امر حسابداری و مالی، عدم وجود یک چارچوب مناسب برای افشای دارایی‌های نامشهود که از نیازمندی‌ها و الزامات استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی مشتق شده باشد، احساس می‌شود. بر این اساس باید مدلی ارائه گردد تا کارایی صورت‌های مالی فعلی را با تمرکز بر افشای دارایی‌های نامشهود توسعه دهد. به عبارت دیگر، نیاز به ایجاد و ارائه یک چارچوب می‌باشد که مفید، و منطبق بر نیازهای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی بوده و قابل قبول برای ارائه‌دهندگان صورت‌های مالی، حساب‌رسان و استانداردها‌گذاران باشد و در عین حال صورت‌ها و گزارش‌های مالی که در حال حاضر منتشر می‌شود را نیز بهبود بخشد. به منظور دستیابی به چنین هدفی باید ابتدا درک نیازها و دیدگاه ارائه‌دهندگان صورت‌های مالی، کاربران و حساب‌رسان در رابطه با افشای اطلاعات مرتبط با دارایی‌های نامشهود به درستی صورت گیرد. در گام بعد باید عواملی که عمل فعلی گزارشگری مالی را در رابطه با دارایی‌های نامشهود بهبود می‌بخشد، شناسایی گردد. در حال حاضر تحقیقات حسابداری مالی مورد استفاده در دو زمینه تئوری حسابداری اثباتی<sup>۵۷</sup> و تئوری حسابداری هنجاری<sup>۵۸</sup> می‌باشد. اما قابل ذکر است که فرآیند استانداردگذاری از این دو حوزه‌ی تحقیقاتی مجزاست، و نیاز به ایجاد شاخه‌ای جدید از تحقیقات حسابداری مالی است. شکل زیر بطور خلاصه این موضوع را بیان می‌کند:

تعداد اعضای هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره، اندازه شرکت، اهرم، دارایی‌های ثابت، رشد فروش، سودآوری، پرداخت سود، سن شرکت، تعداد کارکنان، متنوع‌سازی، ساختار مدیریت، صادرات، مخارج تحقیق و توسعه و هزینه‌های بازاریابی و تبلیغات) بر متغیر ارزش شرکت می‌باشد. یافته‌های حاصل از پژوهش حاکی از اهمیت ویژگی‌های خاص شرکتی در وهله نخست، حاکمیت شرکتی در رتبه دوم، ساختار مالکیت در رتبه سوم و سرمایه نامشهود در رتبه چهارم در تعیین ارزش دارایی‌های نامشهود است.

#### ۴- نتایج حاصل از بررسی‌های نظری پژوهش

##### ۴-۱- حسابداری مقصر است.

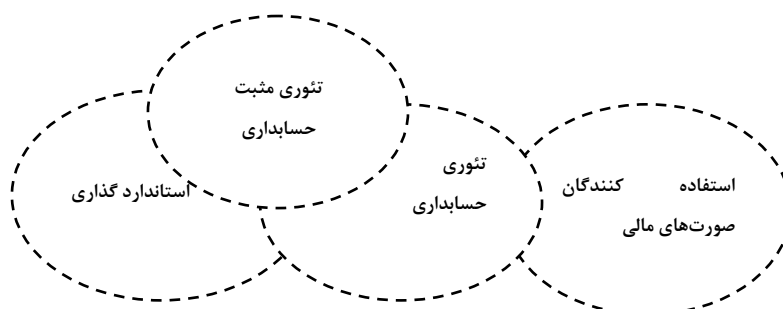
چن و همکاران<sup>۵۶</sup> (۲۰۱۷) محتوای اطلاعاتی قیمت سهام شرکت‌های اسرائیلی را که دارایی‌های نامشهود بالایی دارند و از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) پیروی می‌کنند را با دیگر شرکت‌های اسرائیلی دانش بنیان و مبتنی بر فناوری، که از اصول پذیرفته شده حسابداری (GAAP) پیروی می‌کنند و در بورس اوراق بهادار ایالات متحده پذیرفته شده، مقایسه نمودند. نتایج آنها نشان داد اغلب شرکت‌هایی که از IFRS پیروی می‌کنند از هزینه‌های تحقیق و توسعه، بخش مربوط به توسعه را سرمایه‌ای می‌کنند؛ این درحالی است که شرکت‌هایی که از اصول پذیرفته شده حسابداری (GAAP) تبعیت می‌کنند بلادرنگ تمامی مخارج تحقیق و توسعه را هزینه‌ای می‌کنند. چن و همکاران (۲۰۱۷) بیان می‌کنند، پیش از پذیرش IFRS محتوای اطلاعاتی قیمت سهام این دو گروه از شرکت‌ها یکسان بود؛ در حالی که بعد از پذیرش IFRS و سرمایه‌ای شدن بخشی از هزینه‌های تحقیق و توسعه محتوای اطلاعاتی قیمت سهام شرکت‌هایی که بخشی از هزینه‌های تحقیق و توسعه را سرمایه‌ای کردند نسبت به سایر شرکت‌ها که فوراً مخارج تحقیق و توسعه را هزینه می‌کنند بطور قابل توجهی افزایش یافته است. این تفاوت چشمگیر در محتوای اطلاعاتی سهام این دو گروه از شرکت‌ها تنها به دلیل سرمایه‌ای شدن هزینه‌های تحقیق و توسعه نبود؛ بلکه شاید در درجه اول ناشی از افزایش افشای اختیاری اطلاعات مربوط به توسعه شرکت (از قبیل افشای نتایج بررسی امکان‌سنجی تکنولوژی محصول، ویژگی‌های بازار هدف، کافی بودن منابع مالی برای تکمیل محصول و غیره) باشد که در فرآیند آزمون سرمایه‌ای کردن این اطلاعات آشکار گردیده است. این پژوهشگران همچنین با بررسی رگرسیون‌های ارزشی بازار این ادعا را که سرمایه‌گذاران مخارج تحقیق و توسعه را که در ترازنامه به عنوان دارایی شناسایی شده است را یک دارایی مطلوب قلمداد



شکل ۱: ارتباط فعلی بین حوزه‌های تحقیقاتی حسابداری (رویکرد هنجاری و مثبت) و فرآیند استانداردگذاری  
منبع: مهلن براک (۲۰۱۷)

استفاده‌کنندگان ادغام نمود تا بینشی عمیق نسبت به دیدگاه آنها بدست آورد و بر این اساس قوانین گزارشگری مالی برای دارایی‌های نامشهود تدوین گردد. شکل زیر بطور خلاصه این هدف را توصیف می‌کند:

ایجاد چارچوب مناسب مذکور نیاز است ارتباط فوق بین تحقیقات، استانداردگذاری و استفاده‌کنندگان اصلاح و تجدید ساختار گردد بطوری که رویکرد هنجاری را با فرآیند استانداردگذاری از طریق تحقیق تجربی در مورد نیازهای



شکل ۲: ارتباط جدید بین حوزه‌های تحقیقاتی حسابداری (رویکرد هنجاری و مثبت) و فرآیند استانداردگذاری  
منبع: مهلن براک (۲۰۱۷)

از ابعاد مختلفی نظیر اطلاعات مالی، اطلاعات غیرمالی، اطلاعات چشم انداز آتی و غیره برخوردار است. تجزیه و تحلیل نوع اطلاعات افشا شده به ما کمک می‌کند تا صورت‌های مالی شرکت و اطلاعات غیرمالی مانند توزیع بازار و رضایت مشتری را بررسی کنیم. چارچوب گزارشگری مالی سنتی توانایی ارائه صورت کاملی از فعالیت‌های شرکت را نداشته و قادر به ایفای وظیفه پاسخگویی به طور کامل و صحیح نیست. در راستای رفع نواقص گزارشگری سنتی لازم است الگوها و چارچوب‌هایی برای افشای اختیاری تدوین و ارائه گردد که بتواند تا حد امکان نیازهای اطلاعاتی ذینفعان را مرتفع سازد. در سال‌های

## ۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تجدید نظر استاندارد حسابداری شماره ۱۷ ایران که در رابطه با دارایی‌های نامشهود است و در سال ۱۳۸۶ تدوین شده است، با هدف هماهنگی بیشتر با استانداردهای بین‌المللی حسابداری و بهبود استاندارد قبلی، انجام شده است. از منظر تئوری ذینفعان، افشای اطلاعات تحت تاثیر قدرت ذینفعان داخلی و خارجی شرکت می‌باشد. در ایران سطح افشای اطلاعات عمدتاً متوجه افشای اجباری در استانداردهای ایران می‌باشد. افشای اختیاری در بسیاری از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس‌های معتبر جهانی مورد تشویق قرار می‌گیرد و

## فهرست منابع

- \* بیات، رقیه؛ شعبانی، مریم و کلانتری، محمدحسین (۱۳۹۵). سرمایه‌گذاری در دارایی‌های نامشهود بر جریان-های نقد عملیاتی آتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، ۲ (۱)، ۸۵-۹۷.
- \* خدای پور، احمد و برزایی، یونس. (۱۳۹۲). بررسی عوامل حاکمیتی موثر بر کیفیت افشا و تاثیر رقابت بازار بر رابطه بین آن‌ها. فصلنامه حسابداری مالی، ۵ (۲۰)، ۲۲-۴۱.
- \* رحمانی، علی و بشیری منش، نازنین. (۱۳۹۳). مروری بر ادبیات افشاء اطلاعات در ایران. فصلنامه پژوهش حسابداری، ۴ (۱۵)، ۳۵-۶۸.
- \* مشایخ، شهناز و میمنت آبادی، شیوا. (۱۳۹۳). افشای حسابداری، کیفیت حسابداری، محافظه کاری شرطی و غیر شرطی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۶ (۲۴)، ۵۳-۷۰.
- \* مشایخی، بیتا؛ بیرامی، هانیه و بیرامی، هانی. (۱۳۹۳). تعیین ارزش دارایی‌های نامشهود با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۴ (۲)، ۲۲۳-۲۳۸.
- \* مشایخی، بیتا؛ سیدی، جلال و زرگران یزد، هستی. (۱۳۹۳). بررسی عوامل موثر بر افشای سرمایه فکری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۴ (۱۶)، ۹۵-۱۲۱.
- \* مهرآذین، علیرضا و عباس نژاد، فاطمه. (۱۳۹۲). اثر محافظه کاری و افشا بر هزینه سرمایه سهام عادی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۳ (۱)، ۱۱۰-۹۰.
- \* نیک کار، جواد، همت فر، محمود، اعصامی، مریم. (۱۳۹۷). تاثیر سرمایه‌گذاری در دارایی نامشهود در توضیح دهندگی تاثیر سلامت مالی و مشکلات نمایندگی در ارزش بازار شرکت مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۶ (۱)، ۱۱-۲۸.
- \* Alam Tabriz, A., Rajabi Fard, I. and Haji Baba, A. (2009). Intellectual capital: measurement, disclosure, management. Publication of Iran's Industrial Research and Training Center, First Edition.
- \* Al-Hamadeen, R., Alsharairi, M & Qaqish, H. (2014). Intangibles Disclosure: Evidence from Annual Reports of the Jordanian Industrial Public Listed Companies.
- \* Andriessen, D., (2004a). "IC valuation and measurement: classifying the state of the art". Journal of Intellectual Capital, Vol.5, No.2, pp.230-242.
- \* Arnold, V., Bedard, J.C., Phillips, J., Sutton, S.G., (2012). "The impact of tagging qualitative financial information on investor decision making:

اخیر، سهم دارایی‌های نامشهود در ارزش بازار شرکت‌ها به شدت رو به افزایش گذاشته و توجه به پیامدهای آن از اهمیت زیادی برخوردار شده است. تدوین استانداردهای حسابداری مناسب در حوزه دارایی‌های نامشهود برای ارائه ارزش واقعی شرکت‌ها از طریق گزارش‌های مالی، وظیفه بسیار خطیری است که دستیابی به اهدافی مانند فراهم کردن بستر مناسب به منظور افزایش کارایی و تخصیص بهینه منابع در بازار را تسهیل می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری‌های مدیریت در حوزه سرمایه‌گذاری، تحت تاثیر رویه‌های حسابداری موجود در دارایی‌های نامشهود قرار می‌گیرد. مدیریت میان پیامدهای ناشی از رویه‌های حسابداری تفاوت قائل بوده و رویه‌ای را انتخاب می‌کند که مبنای اندازه‌گیری تعریف شده‌ای دارد و می‌تواند از تصمیم‌گیری‌های خود در اجرای پروژه دفاع می‌کند.

بر این اساس تغییر در رویه‌های حسابداری فعلی که توانایی پوشش مناسب دارایی‌های نامشهود کسب و کارها در گزارش‌های مالی را ندارد، امری ضروری به نظر می‌رسد. از طرف دیگر حتی چنانچه امکان تغییرات گسترده در این رویه‌ها و استانداردها نیز وجود نداشته باشد، می‌توان با ایجاد یک رویه کاربر محور در گزارش‌های مالی، تا حدود زیادی نواقص فعلی این گزارش‌ها در مورد دارایی‌های نامشهود را بر طرف ساخت. بر این اساس می‌توان با استفاده از معیارهای مورد نظر کاربران گزارش‌های مالی مانند سرمایه‌گذاران، موسسات مالی، بانک‌ها، موسسات کسب و کارها و ... گزارش‌های مالی را در مورد دارایی‌های نامشهود شرکت‌ها توانمند کرد. بدین صورت که از هر دسته از ذی‌نفعان داخلی و خارجی ذکر شده در بالا که به نوعی در زمره استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی قرار دارند، سوال شود که وجود کدام یک از معیارها و ابعاد دارایی‌های نامشهود شرکت‌ها در گزارش‌های مالی واجد اهمیت است. در ادامه با کنکاش و غربالگری این معیارها و ابعاد ارائه شده از جانب استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی می‌توان به یک لیست جامع و مورد تایید تمامی استفاده‌کنندگان رسید؛ که با استفاده از این لیست و ارائه‌ی دارایی‌های نامشهود شرکت‌ها بر اساس این معیارها در گزارش‌های مالی شرکت‌ها تا حدود زیادی نواقص مورد بحث در مورد عدم گزارش دارایی‌های نامشهود را پوشش داد.

- \* Farooq, O., Nielsen, C., (2014). "Improving the information environment for analysts: Which intellectual capital disclosures matter the most?". *Journal of Intellectual Capital*, Vol.15, No.1, pp.142-156.
- \* FASB. (2016). Invitation to comment - agenda consultation, August 4, p. 11. Retrieved from [https://www.fasb.org/cs/ContentServer?c=FASBContent\\_C&cid=1176168356245&d=&pagename=FASB%2FFASBContent\\_C%2FNewsPage](https://www.fasb.org/cs/ContentServer?c=FASBContent_C&cid=1176168356245&d=&pagename=FASB%2FFASBContent_C%2FNewsPage).
- \* Financial Accounting Standards Board (FASB), (2000). "Business reporting research project: electronic distribution of business information". Norwalk: Financial Accounting Standards Board, retrieved at: [http://www.fasb.org/cs/ContentServer?c=Document\\_C&pagename=FASB%2FDocument\\_C%2FDocumentPage&cid=1175801856611](http://www.fasb.org/cs/ContentServer?c=Document_C&pagename=FASB%2FDocument_C%2FDocumentPage&cid=1175801856611).
- \* Garanina, T.A., Dumay, J., (2014). Intellectual capital disclosure impact in IPOs pre and post GFC: evidence from NASDAQ. Proceedings of the 11<sup>th</sup> International Conference on Intellectual Capital, Knowledge Management and Organisational Learning, ICICKM 2014, Sydney, pp.166-175.
- \* Gelb, D.S., Zarowin, P., (2002). Corporate disclosure policy and the informativeness of stock prices. *Review of Accounting Studies*, Vol.7, No.1, pp.33-52.
- \* Graham, J. R., Harvey, C. R., & Rajgopal, S. (2005). The economic implication of corporate financial reporting. *Journal of Accounting and Economics*, 40, 3-73.
- \* Holland, J. (2006). "Fund management, intellectual capital, intangibles and private disclosure". *Managerial Finance*, Vol.32, No.4, pp.277-316.
- \* Holland, J., (2009). "Looking behind the veil": invisible corporate intangibles, stories, structure and contextual information content of disclosure". *Qualitative Research in Financial Markets*, Vol.1, No.3, pp.152-187.
- \* International Integrated Reporting Council (IIRC), 2017. "The International <IR> Framework". Last retrieval on 13 January 2017 at: <http://integratedreporting.org/wp-content/uploads/2015/03/13-12-08-THE-INTERNATIONAL-IR-FRAMEWORK-2-1.pdf>.
- \* Jones, S., (2011). "Does the Capitalization of Intangible Assets Increase the Predictability of Corporate Failure?". *Accounting Horizons*, Vol.25, No.1, pp.41-70.
- \* Jones, S., (2011). Does the Capitalization of Intangible Assets Increase the Predictability of Corporate Failure?. *Accounting Horizons*, Vol.25, No.1, pp.41-70.
- \* Kang, H. (2006). Reporting Intangible Assets: Voluntary Disclosure Practices of Top Emerging Market Companies.
- \* Kang, H., Gray, S.J., (2011). "The Content of Voluntary Intangible Asset Disclosures: Evidence from Emerging Market Companies". *Journal of International Accounting Research*, Vol.10, No.1, pp.109-125.
- implications for XBRL". *International Journal of Accounting Information Systems*, Vol. 13, No. 1, pp. 2-20.
- \* Barney, Jey. (1991). "Firm resources and sustained competitive advantage". *Journal of Management*, Vol. 17, No. 1, pp. 99-120.
- \* Botosan, C. A. (2000). Evidence that greater disclosure lowers the cost of equity capital. *Journal of applied corporate finance*, 12(4), 60-69.
- \* Castilla-Polo, F., & Ruiz-Rodríguez, C. (2017). Content analysis within intangible assets disclosure: a structured literature review, *Journal of Intellectual Capital*, doi: 10.1108/JIC-11-2016-0123.
- \* Castro, G.M. de, Sáez, P.L., (2008). "Intellectual capital in high-tech firms: The case of Spain". *Journal of Intellectual Capital*, Vol.9, No.1, pp.25-36.
- \* Chan, L. Lakonishok, T. & Sougiannis. (2001). The stock market valuation of research and development expenditures. *The Journal of Finance*, 56, 2431-2456.
- \* Chander, S., & Mehra, V. (2011). A study on intangible assets disclosure: An evidence from Indian companies. *Intangible Capital*, 2011 – 7(1): 1-30 - ISSN: 1697-9818 doi:10.3926/ic.2011.v1n7.p1-30.
- \* Chen, E., Gaviols, I., & Lev, B. (2017). The positive externalities of IFRS R&D capitalization: Enhanced voluntary disclosure. *Review of Accounting Studies*, 22(2), 677-714.
- \* Chen, Jin, Zhu Zhaohui and Xie Yuan (2004). Measuring intellectual capital: a new model and empirical study. *Journal of Intellectual Capital*. Vol. 5 Iss: 1, pp.195 – 212.
- \* Choong, K. K. (2008). Intellectual capital: definitions, categorization and reporting models. *Journal of Intellectual Capital*, 9(4), 609- 638.
- \* De Waegenare, A., Sansing, R. C., & Wielhouwer, J. L. (2017). Development cost capitalization during R&D races. *Contemporary Accounting Research*, 34(3), 1522-1546.
- \* Dinh, T., Kang, H., & Schultze, W. (2016). Capitalizing research & development: Signaling or earnings management? *European Accounting Review*, 25(2), 373-401.
- \* Doidge, C., Kahle, K. M., Karolyi, G. A., & Stulz, R. M. (2018). Eclipse of the public corporation or eclipse of the public markets? *Journal of Applied Corporate Finance*, 30(1), 8-16.
- \* Dumay, J., Garanina, T., (2013). "Intellectual capital research: A critical examination of the third stage". *Journal of Intellectual Capital*, Vol.14, No. 1 (Date online 16/9/2012; early cite pre-publication article; downloaded on 4 Jan. 2013).
- \* Eckstein, C. (2004). The measurement and recognition of intangible assets, *Accounting Forum* 28, 139-158.
- \* Edvinsson, L., (2013). IC 21 – Reflections from 21 years of IC Practice and Theory. *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 14, No. 1, pre-publication article.

- \* Wyatt, A., (2008). What financial and non-financial information on intangibles is value-relevant? A review of the evidence. *Accounting and Business Research*, Vol.38, No.3, pp.217-256.

## یادداشت ها

- <sup>1</sup> Chan et al.  
<sup>2</sup> Eckstein  
<sup>3</sup> International Financial Reporting Standards  
<sup>4</sup> Lewis & Pendrill  
<sup>5</sup> International Integrated Reporting Council  
<sup>6</sup> Sveiby  
<sup>7</sup> Kaufmann et al.  
<sup>8</sup> Andriessen  
<sup>9</sup> Dumay & Garanina  
<sup>10</sup> Jones  
<sup>11</sup> Kang and Gray  
<sup>12</sup> Holland  
<sup>13</sup> Lev et al.  
<sup>14</sup> Farooq et al.  
<sup>15</sup> Patel and Narain  
<sup>16</sup> Wyatt  
<sup>17</sup> Castro and Sáez  
<sup>18</sup> Edvinsson  
<sup>19</sup> Jones  
<sup>20</sup> positive accounting theory  
<sup>21</sup> Garanina et al.  
<sup>22</sup> Nold  
<sup>23</sup> Graham et al.  
<sup>24</sup> Botosan  
<sup>25</sup> Shiemann et al.  
<sup>26</sup> Resource-Based View  
<sup>27</sup> Dynamic Capabilities View  
<sup>28</sup> Marzo  
<sup>29</sup> Chen et al.  
<sup>30</sup> Castilla-Polo & Gallardo-Vázquez  
<sup>31</sup> Martínez  
<sup>32</sup> Choong  
<sup>33</sup> Lev et al.  
<sup>34</sup> High Tech  
<sup>35</sup> Linnainmaa and Roberts  
<sup>36</sup> Doidge et al.  
<sup>37</sup> Oswald et al.  
<sup>38</sup> Financial Accounting Standards Board  
<sup>39</sup> Securities and Exchange Commission  
<sup>40</sup> Kelton et al.  
<sup>41</sup> Arnold et al.  
<sup>42</sup> Sveiby  
<sup>43</sup> Kaufmann et al.  
<sup>44</sup> Andriessen  
<sup>45</sup> Dumay & Garanina  
<sup>46</sup> Ozcan  
<sup>47</sup> De Waegenare  
<sup>48</sup> Al-Hamadeen et al.  
<sup>49</sup> Chander & Mehra  
<sup>50</sup> Sveiby  
<sup>51</sup> Guthrie and Petty  
<sup>52</sup> Kang  
<sup>53</sup> Price-to-Book  
<sup>54</sup> Gelb  
<sup>55</sup> Generally Accepted Accounting Principles  
<sup>56</sup> Chen et al.  
<sup>57</sup> Positive accounting theory  
<sup>58</sup> Normative accounting theory

- \* Kaufmann, L., Schneider, Y., (2004). "Intangibles – A synthesis of current research". *Journal of Intellectual Capital*, Vol.5, No.3, pp.366-388.
- \* Kelton, A.S., Pennington, R.R., (2012). "Internet financial reporting: The effects of information presentation format and content differences on investor decision making". *Computers in Human Behavior*, Vol. 28, pp. 1178-1185.
- \* Lev, B. (2018). Ending the Accounting-for-Intangibles Status Quo. *European Accounting Review*.
- \* Lev, B., Radhakrishnan, S., Zhang, W., (2009). "Organizational capital". *Abacus*, Vol.45, No.3, pp.275-298.
- \* Lewis, R., Pendrill, D., (2004). "Advanced Financial Accounting". Harlow/ Essex/ England: Pearson Education Limited, Seventh Edition.
- \* Linnainmaa, J. T., & Roberts, M. R. (2018). The history of the cross-section of stock returns. *The Review of Financial Studies*, 31(7), 2606–2649.
- \* Marzo, Giuseppe. (2011). Accounting for intangibles and the theories of the firm. 34<sup>th</sup> EAA congress, Rome, 20-22.
- \* Nold, H.A., (2012). Linking knowledge processes with firm performance: organizational culture. *Journal of Intellectual Capital*, Vol.13, No.1, pp.16-38.
- \* Oswald, D. R., Simpson, A. V., & Zarowin, P. (2017). The information benefits of R&D capitalization. New York University. Retrieved from SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2952388> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2952388>.
- \* Ousama, A.A., Fatima, A.H., Hafiz Majdi, A.R., (2011). "Usefulness of intellectual capital information: preparers' and users' view". *Journal of Intellectual Capital*, Vol.12, No.3, pp.430-445.
- \* Ozcan, A. (2017). Analysis of value relevance of intangible assets under international financial reporting standards: evidence from Borsa Istanbul. *Journal of Social Sciences Institute*, 14 (40), 364-377.
- \* Patel, N., Narain, U., (2009). Can intangible assets act as a cushion in a downturn?. Available at:[http://www.watsonwyatt.com/pubs/directions/media/2009\\_EU\\_12783\\_Direct](http://www.watsonwyatt.com/pubs/directions/media/2009_EU_12783_Direct)
- \* Securities and Exchange Commission (SEC), (2013). "The Path Forward on Disclosure". Speech made by SEC Chair Mary Jo White at the National Association of Corporate Directors – Leadership Conference 2013 in National Harbor, Md., on 15 Oct. 2013. Text retrieved on 14 January 2017 at: <https://www.sec.gov/News/Speech/Detail/Speech/1370539878806>.
- \* Sveiby, K.E., (2009). "Methods for Measuring Intangible Assets". Retrieved from [www.sveiby.com/articles/IntangibleMethods.htm](http://www.sveiby.com/articles/IntangibleMethods.htm), last visit on 23 November 2009.
- \* Whitwell, G.J., Lukas, B.A., Hill, P., (2007). "Stock analysts' assessment of shareholder value of intangible assets". *Journal of Business Research*, Vol.60, pp.84-90.